

مفهوم‌شناسی استغفار و تطبیق آن بر روایات و آیات قرآن کریم

مؤلف: علیرضا بامشاد^۱

استاد راهنما: حجت الاسلام مرتضی قضاوی زیده عزه

چکیده

استغفار یکی از مفاهیم و تعالیمی است که از طرف خدای تبارک و تعالی و نیز هادیان بشر یعنی پیامبران(ص) بدان بعنوان زداینده‌ی ناخالصی‌ها و آلودگی‌های انسان تصریح و اذعان شده است. در این تحقیق تعریف استغفار در لغت و اصطلاح از دیده گذشت. اقسام آن را بررسی نمودیم و دانسته شد که استغفار نه فقط آنست که پذیرفته شود بلکه استغفارهای غیر مقبول بسیاری نیز وجود دارد. اسباب عدیده‌ای برای فراهم آمدن شرایط پذیرش و مقبولیتش نیاز است که نباید از آنها غافل شد. در ادامه شواهد این مفهوم در قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفت و دانسته شد که به انحاء مختلف بدان پرداخته می‌شود و نیز در چه آوردگاه‌هایی ساحت وجود می‌آید. خواننده آن درمی‌یابد که چگونه و به چه طریق می‌تواند در مسیر رسیدن به بندگی خداوند بزرگ خود را از دام زوائد دنیایی رهانده و اسباب مقبولیتش را در محضر حضرت حق فراهم آورد.

^۱ طلبه پایه سوم مدرسه علمیه آیت الله بهجت (ره)

کلید واژه: استغفار، عقوبت گناهان، رحمت الهی، موانع رشد

مقدمه

انسان در پیمودن راه عبودیت و رسیدن به معبود نیازمند اسباب و لوازمی است تا طی طریق کند. از اهم آن اسباب و مصادیق می‌توان به دو حجتی که خداوند برای هدایتش قرار داده یعنی حجت نهان و آشکار اشاره نمود.

حجت نهان عقل انسان و حجت آشکار پیامبران و هادیان این طریق هستند.

خالق یکتا در تعالیم والایش، شاه راه‌هایی را تعبیر نموده اند تا طی طریق را آسان گرداند. یکی از این شاه راه‌ها و یا به عبارتی شاهکارها «استغفار» است. و درست زمانی که ثقل گناهان و زنگار دل احتیاج به زدودن پیدا میکند چون نگینی روشنگر میدرخشد.

باید دانست چگونه و چرا باید از آن استفاده نمود....

۱- کلیات و مفاهیم

۱-۱ استغفار در لغت

واژه استغفار به معنای درخواست مغفرت، (حمیری، شمس العلوم، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۹۸۲) از ریشه «غ ف ر» به معنای پوشش است. (ابن منظور، لسان العرب، ۲۰۰۰م، ج ۵، ص ۲۶؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۳۷۳).

۱-۲ استغفار در اصطلاح

به معنای درخواست زبانی یا عملی (راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۶ق، ص ۶۰۹) آمرزش (اسکندرانی، کشف الاسرار، ۲۰۱۰م، ج ۲، ص ۴۶).

و پوشش گناه (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۳، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۳).

از پیشگاه خداوند، و هدف از آن درخواست مصونیت از آثار بد گناه و عذاب الهی است. (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۳؛ راغب، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۶ق، ص ۶۰۹) برخی، واژه استغفار در آیاتی از قرآن را به ایمان، (زمخشری، الکشاف، دارالکتاب العربی، ج ۲، ص ۴۰۲) اسلام، (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۵، ص ۱۵۸)

(یا گزاردن نماز، (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۷۱۴) تفسیر کرده‌اند که به مصادیق استغفار در مقام عمل اشاره دارند.

استغفار یا قولی است مانند گفتن «استغفر الله» و یا فعلی، مانند انجام دادن عملی که موجب آمرزش انسان می‌گردد. از استغفار زبانی در باب‌هایی مانند طهارت، صلاه، صوم، حج، تجارت، ظهار و کفارات بحث شده است.

۱-۳ ضرورت و اهمیت

فرمان و تشویق به استغفار در بسیاری از آیات، (عبد الباکی، المعجم المفهرس، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۴) و توبیخ ترک آن در برخی دیگر، چون *أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ* [سوره مائده-آیه ۷۴] ضرورت استغفار همگان را روشن می‌سازد، زیرا از یک سو انسان‌های عادی بر اثر غفلت، نادانی و سرکشی غرایز حیوانی و هوای نفس، همواره در معرض گناه هستند، از این رو نیاز به استغفار و ضرورت آن، جهت پالایش و تصفیه روحشان امری بدیهی می‌نماید.

و از سوی دیگر، هیچ کس نمی‌تواند حقوق الهی را آن گونه که شایسته مقام ربوبی است، به جای آورد، بلکه به اندازه معرفت و شناخت خویش به این مهم می‌پردازد، بر این اساس، حتی پارسایان حقیقی نیز از کارها و عبادتهای خود شرم داشته، خویش را در پیشگاه خداوند متهم، بلکه مقصر می‌دانند و ضرورت استغفار را درک می‌کنند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

اهمیت استغفار نیز از جهات گوناگونی قابل تبیین است:

پیامبر اکرم (ص) و دیگر پیامبران به استغفار سفارش کرده و عموم مردم بدان فرمان داده شده‌اند، چنان که ۸ آیه، به آموزش خواهی ترغیب عمومی کرده و نزدیک به ۳۰ آیه، از استغفار پیامبران سخن به میان آورده و ۵ آیه نیز شخص رسول اکرم (ص) را به آن مأمور کرده است.

فرشتگان برای مؤمنان، (سوره غافر آیه ۷) و اهل زمین استغفار می‌کنند. (سوره شوری، آیه ۵)

درخواست آموزش گناه، صفت پرهیزکاران معرفی شده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۶۳؛ آل عمران-آیه ۱۵-۱۶)

۱-۴ اقسام استغفار

مستحب، واجب و حرام

استغفار گرچه فی نفسه مستحب است، لیکن گاهی به جهت عوارضی واجب یا حرام می‌گردد. از این رو، استغفار به لحاظ حکم سه گونه است:

۱- استغفار مستحب: استغفار از آن جهت که بهترین دعا و عبادت به شمار می‌رود، در همه حالات به ویژه موارد ذیل مستحب است: (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۸۰). بین دو سجده نماز؛ (یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۵۸) در قنوت به خصوص قنوت نماز وتر؛ (یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۹۹) هنگام سحر؛ (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۷، ص ۳۳) برای میت هنگام تشییع جنازه، دفن و زیارت قبر او؛ (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۴، ص ۲۸۹ و ص ۳۰۷ و ص ۳۲۳) در نماز باران؛ (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۱۲، ص ۱۳۱) در ماه رمضان؛ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۳۰۴). برای ترک برخی آداب و سنن مانند استغفار برای لطمه زدن بر سر و صورت خود به عنوان کفاره آن. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۳۳، ص ۱۹۳)

۲- استغفار واجب: استغفار به عنوان کفّاره واجب بر محرم در صورت جدال کمتر از سه بار و فسوق، (مناسک مراجع، م ۳۷۲ و م ۳۷۷) یا بدل کفّاره واجب بر کسی که توان انجام هیچ یک از خصال کفّاره (آزاد کردن برده، گرفتن دو ماه روزه یا اطعام یا پوشاندن شصت فقیر) را ندارد واجب است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۳۳، ص ۲۹۵) البته بدلیت استغفار در کفّاره ظهار در صورت ناتوانی از پرداخت کفّاره، مورد اختلاف است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۳۳، ص ۱۶۳-۱۶۰) در وجوب استغفار در نماز میت، (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۱۲، ص ۴۷-۳۴ و ج ۱۲، ص ۸۸) و نیز از سوی غیبت کننده برای کسی که او را غیبت کرده، اختلاف است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۲۲، ص ۷۲؛ مصباح الفقاهه ج ۱، ص ۵۲۲-۵۱۹)

۳- استغفار حرام: استغفار برای مشرکان و کفار- به نصّ قرآن کریم- (سوره توبه، آیه ۱۱۳). و نیز مخالفان و منافقان، حرام است. (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۶۷ق، ج ۱۲)

۲- خصائص استغفار

۲-۱ آداب استغفار

امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) به مردی که در حضور ایشان جمله «استغفر الله» را تکرار می کرد فرمود: آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه بلند مرتبگان است و آن را شش شرط است:

۱- پشیمانی برگزیده.

۲- عزم بر ترک بازگشت به سمت گناه برای همیشه.

۳- اینکه حقوق مردم را ادا کنی تا با خدا عاری از هر گناهی دیدار نمایی.

۴- هر واجبی را که بر عهده تو بوده و انجامش نداده‌ای، به جا آوری.

۵- آنکه گوشتی را که در گناه بر پیکرت روییده، در غم و اندوه آب کنی تا پوستت به استخوانت بچسبد و میان پوست و استخوان گوشت تازه بروید.

۶- جسم خود را رنج طاعت بچشانی، همچنان، که بر او حلاوت معصیت چشانده بودی.

اگر توانستی چنین کنی در این هنگام بگو استغفر الله. (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹)

برخی دیگر از آداب استغفار عبارتند از:

استغفار هنگام سحر.

استغفار در شب جمعه.

اعتراف به لغزش ها.

اقرار به ایمان و اظهار تسلیم در برابر خداوند.

توجه به ربوبیت خداوند.

توجه به ولایت مطلق خداوند.

توسل به انبیا.

ذکر صفات کمال خداوند هنگام درخواست آمرزش.

یاد خدا. (پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام)

۲-۲ زمینه های استغفار

با تتبع در سیره بندگان خوب حضرت حق و تمسک به شیمه اساتید اخلاق میتوان برخی عوامل زمینه ساز استغفار را نامبرده ، در جهت ایجاد آنها گام برداریم. در ذیل سعی شده چند مورد از اهم موارد را مرقوم نماییم؛

آگاهی از آمرزش خداوند.

امید به رحمت خداوند.

توجه به پذیرش توبه از سوی خداوند.

توجه به حکمت خداوند.

توجه به خالقیت خداوند.

توجه به رحمت خدا.

توجه به عزت خدا.

توجه به بازگشت همه امور به سوی خدا.

توجه به قدرت خدا برای آمرزش.

مشاهده عذاب.

وفای به عهد

۲-۳ اجابت استغفار

با توجه به مطالبی که قید شد و انبعاث شدیدی که به انحاء مختلف در منابع نقلی در تخاطب بنده قرار گرفته است برای هر عبد صالح جستجوگرِ نجاتی این سوال ایجاد میشود که آیا پس از انجام استغفار و طی مراحل آن توسط بنده، کمیت و کیفیت پذیرش استغفار از جانب خداوند قادر چگونه خواهد بود.

باید گفت پذیرش استغفار از سوی خداوند حتمی است، زیرا:

برخی آیات به پذیرش استغفار از سوی خداوند تصریح دارد: فَاسْتَغْفِرُوا لَهُمْ تَتُوبَ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ [سوره هود-آیه ۶۱-۱۱]

و نیز می‌فرماید: اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ [سوره غافر-آیه ۶۰]

خداوند وعده استجاب دعا داده و استغفار، به صورت یکی از بهترین دعاها، (حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۸؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۵) مشمول این وعده الهی است و وعده پذیرش استغفار می‌تواند سبب تشویق به آن باشد. با توجه به اینکه آیات فراوانی از قرآن کریم به استغفار امر می‌کند، (عبد الباقی، المعجم المفهرس، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۴) عدم پذیرش آن از سوی خداوند، بعید به نظر می‌آید.

بسیاری از اوصاف الهی چون غفور، غفار، عفو و... خود بشارت به بخشش الهی است که در استغفار، مطلوب است

۲-۴ بهترین زمان‌های استغفار

استغفار به زمان و مکان خاص و وضعیت ویژه‌ای محدود نیست؛ ولی در حالات و موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی، نقش ویژه خود را دارد. قرآن کریم در آیاتی، [یادداشت ۳] با صراحت، سَحَرَ را برای استغفار برمی‌گزیند و در آیه: قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ [سوره یوسف-۹۸] {طبق نظر قریب به اتفاق مفسران، برتری استغفار در سحر در مقایسه با زمان‌های دیگر را گوشزد می‌کند.

۲-۵ آثار و برکات

در آیات و روایات، آثار سازنده و ارزشمندی از قبیل صلاح جامعه، نزول برکات الهی، و مصونیت از عذاب دنیوی و اخروی برای آن بیان شده است. (سوره نوح، آیه ۱۲-۱۰؛ سوره هود، آیه ۵۲؛ سوره اعراف، آیه ۹۶؛ سوره انفال، آیه ۳۳)

۲-۵-۱ پیشگیری از عذاب الهی

براساس آیه ۳۳ سوره انفال، تا زمانی که مردم اهل استغفار باشند، خداوند آنان را عذاب نخواهد کرد. ابتدای آیه یاد شده، به عامل دیگر پیشگیری از عذاب، یعنی وجود رسول خدا (ص) در میان مردم اشاره دارد. مفسران درباره این آیه، شأن نزولهای خاص و احتمالات گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ ولی آیه، این قانون کلی را دربردارد که وجود رسول

خدا(ص) در میان مردم و استغفار مردم، هر دو عامل امنیت آنان در برابر بلاهای سخت و سنگین و مجازات‌های دردناک طبیعی و غیر طبیعی، همانند سیل، زلزله و جنگ‌های ویرانگر است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۷، ص ۱۵۵-۱۵۴) حضرت علی (ع) می‌فرماید: در روی زمین، دو ابزار امنیت از عذاب الهی وجود داشت: یکی از آن دو وجود پیامبر اسلام(ص) بود که با رحلت آن حضرت برداشته شد؛ ولی دیگری که استغفار است، همواره برای همگان وجود دارد، پس بدان تمسک جویند. آنگاه آیه پیشین را تلاوت کردند. (نهج البلاغه، حکمت ۸۸)

۲-۵-۲ آمرزش گناهان

در آیه ۱۰ سوره نوح، در پی فرمان حضرت نوح(ع) به استغفار، صفت بسیار بخشنده بودن خداوند مطرح شده است. وصف غفار، همانند اوصاف غفور، رحیم، ودود، و... به وعده مهم و بشارت بزرگ الهی به آمرزش گناهان و نزول رحمت بر بندگان اشاره دارد. (طبری، جامع البیان، ۱۳۹۲ق، ج ۵، ص ۳۷۱) در روایتی استغفار از گناه، عامل زدوده شدن زنگارهای گناه از روح انسان و بخشیدن جلای معنوی به روح، دانسته شده است. (ابن فهد حلی، عدّه الداعی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۶۵)

۲-۵-۳ افزایش روزی، ازدیاد فرزندان

آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نوح، به نجات از خشک سالی با آمدن باران‌های فراوان، رفع فقر و تنگ دستی و زیاد شدن درآمد و روزی اشاره دارد. همچنین بر اساس این آیات، رفع مشکل بی‌فرزندی، یا ازدیاد فرزندان از آثار استغفار شمرده شده است.

۲-۵-۴ رفاه و عمر طولانی

استغفار واقعی عامل دستیابی انسان به زندگی خوب و زیبای توأم با ثروت، رفاه، امنیت و عزت است، (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۵۴۳؛ فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۰، ص ۱۳۷؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۱۰، ص ۳۰۰) چنان که در آیه ۳ سوره هود، از این دنیای خوب مادی به متاع نیکو یاد شده است. برخی نیز متاع حسن را عمر دراز، قناعت، رها کردن مردم و روی آوری به خداوند و در نتیجه آمرزش خواهی دانسته‌اند. (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۸۷ش، ج ۹، ص ۴) در نقلی، حسن بصریاشخاصی را که از خشکسالی، فقر و تنگدستی و نداشتن فرزند رنج می‌بردند و برای رفع آن در پی راه حلی بودند، با استناد به آیات ۱۰ و ۱۲ سوره نوح، به استغفار سفارش کرده است. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۵۴۳)

۲-۶ توسل در استغفار

واسطه جویی و واسطه پذیری برای استغفار، در قرآن کریم تأیید و تثبیت شده است، چنان که به وسیله جویی برای تقرّب به خدا به صورت مطلق امر شده است.

برخی آیات، واسطه جویی دیگران از رسول خدا(ص) و وساطت حضرت را برای آنها در استغفار، مطرح کرده‌اند. و در برخی دیگر، خداوند به رسول خویش فرمان می‌دهد تا برای خود و مردم مؤمن استغفار کند. در آیاتی نیز استغفار برای پدر و مادر و دیگر خویشاوندانی و مؤمنان، (سوره ابراهیم، آیه ۱۴؛ سوره حشر، آیه ۱۰) عملی پسندیده دانسته شده است. مفهوم برخی از آیات، که در آن رسول خدا(ص) و مؤمنان از استغفار برایمشکران منع شده‌اند بر جواز استغفار برای مؤمنان دلالت دارد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص ۴۵۲)

آیات ۹۷ و ۹۸ سوره یوسف، نیز به خوبی بر جواز وسیله جویی در استغفار دلالت دارد، زیرا هنگامی که فرزندان یعقوب پیامبر، از وی وساطت آمرزش از خدا را برای خود خواستند، حضرت به آنان وعده داد که در آینده برایشان از خداوند آمرزش بطلبد.

۲-۷ استغفار انبیا و دیگر معصومان

بیشتر آیات قرآنی به استغفار انسان‌های عادی مربوط است، و در یک جا به استغفار «رَبِّیون» اشاره کرده است. مقصود از «رَبِّیون» کسانی هستند که به پروردگار عالم اختصاص پیدا کرده و به جز خداوند به چیز دیگری اشتغال ندارند. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۴، ص ۴۱) در پاره‌ای آیات نیز از استغفار پیامبران و فرشتگان سخن به میان آمده است.

استغفار انبیا(ع) برای خویش که حدود ۳۰ آیه از قرآن به آن اشاره دارد، به دلیل عصمت آنان از هر معصیت، به معنای آمرزش خواهی از گناه نیست (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۶، ص ۳۶۸؛ ج ۱۸، ص ۲۵۴)

به نظر شیعه و بسیاری از فقیهان از اصحاب مالک، ابوحنیفه و شافعی، پیامبران الهی از همه گناهان حتی صغایر معصوم‌اند، زیرا همه مردم مأمورند از گفتار و رفتار آنان پیروی کنند و این فرمان با ارتکاب گناه هرچند صغیره از سوی آنان سازگاری ندارد. (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۶، ص ۳۶۷) قرآن همچنین، پیامبران را با وصف «مُخْلِصین» ستوده است. (سوره ص، آیه ۴۶؛ سوره یوسف، آیه ۲۴؛ سوره مریم، آیه ۵۱) و طبق آیات ۸۲ و ۸۳ سوره ص، شیطان برای اغوای بندگان مخلص خدا راهی ندارد، بر این اساس، آمرزش خواهی انبیا(ع) از جنبه‌های گوناگون قابل تبیین است.

علل استغفار انبیا(ع) نوعی تعلیم به امت‌هاست تا بتوانند به وسیله آمرزش خواهی، ضمن جبران گناهان خویش، رحمت الهی را شامل حال خود کنند.

منظور، آمرزش خواهی از ترک اولی، (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۸، ص ۶۱؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۶، ص ۸۴؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۲۱، ص ۴۵۲) یعنی انجام دادن کار خوب با ترک کار بهتر است. مقصود از استغفار انبیا(ع)، استغفار آنان از گناهان امت خویش است. (فخر الرازی،

التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲، ص ۱۶۲؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳۰، ص ۴۶۳؛ تنزیه انبیاء، ص ۱۷۸) این مطلب در خصوص رسول خاتم(ص) نیز نقل شده است. (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲، ص ۱۶۲؛ آلوسی، روح المعانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳۰، ص ۴۶۳) استغفار پیامبران(ع) برای دفع و پیشگیری است و استغفار دیگران از گناهیانی است که انجام داده‌اند. (صادقی، الفرقان، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۴۰۶؛ ابوحیان، البصائر و الزخایر، دار صادر، ج ۳۰، ص ۲۳۶-۲۲۷) چون دعوت انبیا(ع) و از جمله پیامبر خاتم(ص) آثار گوناگونی داشت که برای مردم در ظاهر، دردناک و شوم بود و آن را گناه می‌پنداشتند، پیامبران از خدا می‌خواستند که این آثار از دید مردم پوشیده بماند تا آنان را مجرم ندانند، آن گونه که مردم مکه، رسول خدا را جنگ طلب و بی‌اعتنا به سنتهای خویش می‌پنداشتند.

اما پس از صلح حدیبیه و فتح مکه واقعیت بر آنها آشکار شد، چنان که درباره موسی بن عمران در سوره شعراء، آیه ۱۴ آمده است: «لَهُمْ عَلٰی ذَنْبٍ» آنان را بر من(دعوی) گناهی است، در صورتی که کشتن مرد قبطی گناه نبود، بلکه یاری شخص ستم دیده بود؛ ولی در نظر مردم گناه به شمار می‌رفت و درخواست آمرزش حضرت موسی به این معنا بود که این امر بر مردم پوشیده بماند تا وی را مجرم ندانند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۲۲، ص ۲۱-۱۹؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۱۸، ص ۲۵۴) در آیه ۱۲۹ سوره اعراف، قالوا اُذینا من قَبْلِ اَنْ تاتینا و من بَعْدِ مَا جِئْتَنَا [سوره اعراف-آیه ۱۲۹] نیز آمده است که قوم موسی وی را سبب اذیت خویش می‌دانستند.

۲-۸ استغفار انبیاء و مقام نبوت

گذشته از وجوه یاد شده، برخی استغفار پیامبران را با توجه به مقام رفیع آنان، این گونه تبیین کرده‌اند: پیامبران همچون دیگر انسان‌ها، برای زندگی طبیعی خویش ناچار بودند بخشی از اوقات خود را برای رفع نیازهای مادی مانند خوردن و آشامیدن و... به کار گیرند و چون به همین مقدار، از سیر در ملکوت اعلائی ربوبی باز می‌ماندند، از خدای خویش طلب آمرزش می‌کردند. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۶، ص ۳۶۶) انبیا در استغفار خود از خدا می‌خواهند که به غیر او، مانند فرشته، وحی یا مقامات معنوی خویش توجه نکنند، زیرا توجه به این امور در محضر خداوند، نوعی حجاب از مشاهده او شمرده می‌شود. (موحدی، تفسیر موضوعی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۱، ص ۱۶۰) چون انبیا هر لحظه در حال عروج به مقامات بالاتر هستند، در هر مرتبه، از مرتبه پیش استغفار می‌کنند. (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۶، ص ۸۴؛ ج ۳۰، ص ۴۶۳؛ فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲، ص ۱۶۲)

وجوه یاد شده، درباره آموزش طلبی دیگر پیشوایان معصوم نیز جاری است، زیرا آنان نیز بسیار استغفار می‌کردند؛ مانند استغفارهای حضرت علی(ع) در دعای کمیل و امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه ثمالی. (طوسی، مصباح المتعجل، المكتبة الاسلامیة، ص ۴۰۵، ۵۸۴)

نظر اهل سنت

آمزش طلبی پیامبران در نظر برخی از اهل سنت که حتی ارتکاب گناهان کبیره را از ایشان محتمل می‌دانند، به معنای درخواست تبدیل گناهان بزرگ به گناهان کوچک یا درخواست مصونیت از اصرار بر صغایر است. (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲، ص ۱۶۲) گروهی دیگر از آنان با نفی احتمال ارتکاب گناه بزرگ، استغفار آنان را آمزش خواهی از گناهان کوچکی که پیش یا پس از بعثت از آنان سرزده است می‌دانند، اسکندرانی، کشف الاسرار، ۲۰۱۰م، ج ۹، ص ۱۹۱) تا بدین وسیله، ضمن جبران خطاها از ثواب کارهایشان کاسته نشود. (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۲، ص ۱۶۲) برخی نیز استغفار آنان را، آمزش خواهی از سهوی می‌دانند که ممکن است از آنان سر بزنند. (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳۰، ص ۴۶۳)

۲-۹ استغفار فرشتگان

طبق آیه ۵ سوره شوری، و ۷ سوره غافر فرشتگان برای اهل زمین استغفار می‌کنند. در هر دو آیه از استغفار فرشتگان برای دیگران سخن به میان آمده و هرگز در جایی از قرآن سخنی از استغفار آنان برای خویش گفته نشده است.

برخی دلیل آن را پاک بودن فرشتگان از هرگونه گناه می‌دانند، (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۷، ص ۱۴۶؛ صادقی، الفرقان، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۴۰۶) و برخی دیگر آن را برای رعایت ادب دانسته که دعا کننده خود را فراموش و از دیگری یاد می‌کند. (صادقی، الفرقان، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۴۰۶) اما این وجه با فرمان خداوند به رسول خویش سازگار نیست که در آن استغفار برای خویش را بر استغفار برای دیگران مقدم کرده است. (سوره محمد، آیه ۱۹) مگر آنکه گفته شود منظور، استغفار فرشتگان برای دیگران پس از استغفار برای خویش است، (صادقی، الفرقان، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۴۰۶) که این توجیه نیز مستلزم تقدیر و حذف و خلاف اصل و ظاهر است

۳- استغفار در آیات و روایات

۳-۱ استغفار در آیات قرآن کریم

۳-۱-۱ مضمون رحمت الهی واقع شدن

﴿لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (سوره نمل، آیه ۴۶)

چرا از پیشگاه خدا تقاضای آمرزش گناهان خویش نمی کنید تا مشمول رحمت او شوید؟

این آیه به دنبال تقاضای قوم صالح(ع) برای نزول عذاب الهی بر آنها نازل شده است؛ چون آنها به حضرت صالح(ع) می گفتند: «تو اگر راست می گویی چرا مجازات الهی دامن ما را نمی گیرد؟» (سوره اعراف، آیه ۷۷) حضرت صالح این چنین پاسخ دادند: «چرا تمام فکر خود را روی فرارسیدن عذاب الهی متمرکز می کنید؟ حال آنکه اگر عذاب الهی شما را فراگیرد به حیانتان خاتمه می دهد و مجالی برای ایمان باقی نخواهد ماند؛ بیایید گفتار مرا در برکات و رحمت الهی که در سایه ایمان به شما می رسد بیازمایید.»

۳-۱-۲ به دست آوردن ثروت و قدرت

﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مَجْرِمِينَ﴾ (سوره هود، آیه ۵۲)

[و هود(ع) ادامه داد] ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید؛ سپس به سوی او بازگردید و توبه نمایید تا او از آسمان، پی در پی بر شما باران بفرستد [چنانکه گویی همه آسمان در حال ریزش است] و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید؛ و از (راه حق) به خاطر گناهانتان روی بر نتابید.

در این آیه بارش باران پی در پی موجب و مظهر ثروت است چرا که خشکسالی تمام باغ ها و بوستان ها را خشک می کند و چهارپایان هم تلف می شوند و از نظر مالی ضرر هنگفتی به آن منطقه وارد می شود.

و در ادامه آیه ﴿بِزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ﴾ اشاره به افزایش هر گونه نیروی مادی و معنوی دارد.

۳-۱-۳ فزونی اموال، فزونی فرزندان، باغ های پربرکت و نه‌های آب جاری

در آیات ۱۰، ۱۱، ۱۲ سوره نوح به شش نعمت که در اثر استغفار به دست می آید اشاره شده است که یکی از آنها معنوی است و آن بخشودگی گناهان است و پنج نعمت مادی شامل ریزش باران مفید، فزونی اموال، فزونی فرزندان (سرمایه انسانی)، باغ های پر برکت و نه‌های آب جاری که نعمت باران در آیه ۵۲ سوره هود اشاره شده بود.

۳-۱-۴ زندگی دلنشین در دنیا

﴿وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا...﴾ (سوره هود، آیه ۳)

و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید و به سوی او بازگردید تا شما را به بهره ای نیکو تا مدتی معین (که عمر دارید) کامیاب کند...

علامه طباطبایی در ذیل آیه فوق در تفسیر المیزان جلد ۱۰، صفحه ۲۱۰ می فرماید: بهره دنیایی وقتی حسن و نیکو می شود که آدمی در آن حیات به سوی سعادت می کشد که برایش امکان دارد روانه شود و خدای تعالی او را به سوی آرزوهای انسانی اش که همان دستیابی به نعمت های دنیوی از قبیل وسعت، امنیت، رفاه، عزت و شرافت است هدایت کند. پس این حیات حسن در مقابل عیش و تنگی است که در آیه ۱۲۴ سوره طه به آن اشاره شده است که «کسی از یاد من روی برگرداند معیشتی تنگ خواهد داشت.»

۳-۱-۵ افاضه نعمتهای خداوند بر بندگان

﴿و استغفروا ربکم ثم توبوا الیه ان ربی رحیم ودود﴾ (سوره هود، آیه ۹۰)

[پس بیایید] و از پروردگارتان آمرزش بطلبید و به سوی او بازگردید که پروردگار من مهربان و دوستدار - توبه کنندگان - است.

کلمه ودود بر وزن فِعُول از اسماء خدای تعالی است و از ماده «ود» اشتقاق یافته و کلمه «ود» به آن دوستی گفته می شود که دارای آثار بوده و استمرار داشته باشد. پس کسانی که از خداوند طلب استغفار می کنند و به سوی او بازمی گردند، خداوند آثار محبت خود را با افاضه نعمتهایش بر آنان ظاهر می سازد آن هم چه نعمت هایی که کسی قادر به شمارش آنها نیست.

۳-۱-۶ استغفار، مانع نزول بلا و عذاب

﴿و ما کان الله لיעذبهم و انت فیهم و ما کان الله معذبهم و هم یستغفرون﴾ (سوره انفال، آیه ۳۳)

ولی تا تو (پیامبر اسلام (ص)) در میان مردم هستی خداوند بر آن نیست که آنان را عذاب کند، و تا آنان استغفار می کنند خداوند آنان را عذاب نمی کند.

در ذیل این آیه امام علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) فرمودند: «یکی از دو امان از میان ما رفت، امن دیگر که استغفار است را حفظ کنید.» (نهج البلاغه، حکمت ۸۸)

۳-۲ استغفار در روایات

۱ - وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هِلَالِ بْنِ مُحَمَّدِ الْحَفَّارِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ الدَّعْبَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ أَخِي دَعْبَلِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ تَعَطَّرُوا بِاللِّاسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحَنَّكُمْ رَوَائِحُ الدُّنُوبِ.

امیرمومنین علیه السلام فرمود: خودتان را با استغفار معطر کنید، تا بوهای بد گناه شما را رسوا نکند (باطن گناه، آبروی انسان را می برد و بسیار بدبو است). (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۰)

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا أَجَلَ مِنْ غُدْوَةٍ إِلَى اللَّيْلِ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ

زراره گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمود بنده چون گناهی کند از صبح تا شب مهلت دارد پس اگر آمرزش خواست آن گناه بر او نوشته نشود. (الکافی، ج ۲، ص ۴۳۷)

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعًا عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا أَجَلَهُ اللَّهُ سَبْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ مَضَتِ السَّاعَاتُ وَ لَمْ يَسْتَغْفِرْ كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُذَكَّرُ ذَنْبَهُ بَعْدَ عَشْرِينَ سَنَةً حَتَّى يَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ فَيَغْفِرَ لَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيَنْسَاهُ مِنْ سَاعَتِهِ

امام صادق علیه السلام: بنده مومن چون گناه کند خدا او را هفت ساعت مهلت دهد پس اگر از خدا آمرزش خواست چیزی بر او نوشته نشود و اگر این ساعت ها گذشت و آمرزش نخواست یک گناه بر او نوشته شود و همانا مومن پس از بیست سال بیاد گناهش افتد تا از خدا آمرزش خواهد و خدا گناهش را بیامرزد و کافر همان ساعت آن را فراموش کند. (الکافی، ج ۲، ص ۴۳۷)

۴ - عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ عَمَلَ سَيِّئَةً أَجَلَ فِيهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ فَإِنْ قَالَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ

امام صادق علیه السلام: هر کس گناهی کند پس اگر سه بار گفت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم آن گناه بر او نوشته نشود. (الکافی، ج ۲، ص ۴۳۷)

۵ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً فَقُلْتُ أَكَانَ يَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ كَانَ يَقُولُ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ قُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يَتُوبُ وَ لَا يَعُودُ وَ نَحْنُ نَتُوبُ وَ نَعُودُ فَقَالَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی هفتاد بار به درگاه خدا توبه میکرد؛ زید گوید: آیا حضرت می فرمود: استغفر الله و أتوب إليه فرمود: نه ولی می فرمود: أتوب إلى الله

عرض کردم: رسول خدا توبه می کرد با این که باز نمی گشت و ما توبه می کنیم و باز می گردیم؛ فرمود: خدا یاور است. (الکافی، ج ۲، ص ۴۳۷)

۶- وَ فِي ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْاسْتِغْفَارُ

برای هر دردی درمانی است و داروی گناهان استغفار است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی دارویی است و داروی گناه آمرزش خواهی و استغفار است. (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۸)

۷- امام زمان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - فرموده اند: لو لا استغفار بعضکم لبعض لهلك من علیها

اگر طلب مغفرت و آموزش برخی از شما برای یکدیگر نبود، تمام اهل زمین هلاک می گشتند. (دلایل الامامه، ص ۷۹۲).

۸- از پیامبر اکرم (ص) این گونه روایت شده است:

«انه لیغان علی قلبی و انی لاستغفرالله فی کل یوم سبعین مره» : گاهی قلبم را غبار می گیرد و من به همین سبب روزی هفتاد بار استغفار می کنم.

(میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۴۳۵)

امام خمینی (ره) در تبیین این روایت در تفسیر سوره حمد چنین می فرماید:

«پیغمبر اکرم (ص) در عین حالی که یک موجود الهی بود، به ایشان نسبت می دهند که فرمود: «لیغان علی قلبی و انی لاستغفرالله فی کل یوم سبعین مره» . همین معاشرت کردن با افراد ناباب، موجب یک کدورتی می شود. این، باز می دارد او را به همان مقدار، از آن مرتبه ای که می خواهد باشد. به همین سبب هر روز هفتاد بار استغفار می نمود. (امام خمینی (ره)، تفسیر سوره حمد، ص ۶۵)

۳-۳ ممنوعیت استغفار

علاوه بر مفاهیم سلبی مانند «استغفار حرام» که مطلب آن بیان گردید، مفاهیمی چون «ممنوعیت استغفار» و محرومیت اقشاری خاص از این رودخانه وسیع و زلال نیز در شریعت مقدس به چشم میخورد که دانستن آن به تسلط هرچه بیشتر نسبت به این شاه راه نجات مساعدتی شگرف مینماید.

الف) در ایه صد و سیزدهم سوره مبارکه توبه بر محرومیت مشرکان از نعمت گرانسنگ و خداداده ی استغفار تصریح و تاکید شده است؛

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان - پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان
اهل دوزخند - طلب آمرزش کنند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند.

سوره توبه - آیه ۱۱۳

آیه ۱۱۳ سوره توبه، پیامبر (ص) و مؤمنان را از استغفار برای مشرکان باز می‌دارد. این منع، به سبب عدم تأثیر
استغفار برای مشرکان، (سوره نساء، آیه ۴۸، ۱۱۶) و بیهوده بودن آمرزش خواهی در حق آنان است. (طباطبایی،
المیزان، ۱۳۷۰ ش، ج ۹، ص ۳۵۱) برخی منع استغفار برای مشرکان را به این سبب دانسته‌اند که در بین متمایل
شدگان به ایمان و اسلام، نوعی مفسده پدید می‌آید، زیرا در صورت پذیرش استغفار برای مشرکان، این گمان پدید
می‌آید که مؤمنان در این جهت هیچ‌گونه برتری بر مشرکان ندارند. (ابن عاشور، التحرير والتنوير، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰،
ص ۲۱۴) از سویی استغفار، نوعی اظهار محبت به مشرکان و پیوند با ایشان است که در بسیاری از موارد از آن نهی
شده است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ ش، ج ۸، ص ۱۵۵)

شان نزول ممنوعیت

در شان نزول آیه ۱۱۳ سوره توبه، آمده است که گروهی از مسلمانان، از رسول خدا (ص) پرسیدند: آیا برای نیاکان
ما که در زمان جاهلیت مرده‌اند، از خدا بخشش نمی‌طلبی؟ خداوند با نزول آیه یاد شده به آنها پاسخ داد که پیامبر
و مؤمنان، حق استغفار برای مشرکان را ندارند. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ج ۵، ص ۱۱۵؛ مکارم شیرازی،
تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ ش، ج ۸، ص ۱۵۵) در شان نزول دیگری در منابع شیعه و اهل سنت آمده است که علی (ع)
آمرزش طلبی مسلمانی را برای پدر و مادر مشرک خویش شنید و به او اعتراض کرد. وی گفت: پس چگونه
ابراهیم (ع) برای والدین مشرک خویش از خدا آمرزش خواست؟ علی (ع) پرسش او را به رسول خدا (ص) رسانید،
آنگاه آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ سوره توبه نازل شد. (طبری، جامع البیان، ۱۳۹۲ ق، ج ۱۱، ص ۶۰؛ فخر الرازی،
التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲۰۹)

ضعف شان نزول

در شان نزول دیگری مقصود، استغفار رسول خدا (ص) برای ابوطالب، (طبری، جامع البیان، ۱۳۹۲ ق، ج ۱۱، ص ۵۶-
۵۷؛ فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲۰۸) یا آمنه، (زمخشری، الکشاف، دارالکتاب
العربی، ج ۲، ص ۳۱۵؛ فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲۰۸) دانسته شده، در حالی که
این شان نزول به ادله متعدد از سوی محققان رد شده است.

ضعف خبر یاد شده به دلیل نقل آن از سوی سعید بن مسیب که برخی از منابع رجالی از او مذمت و برخی نیز از اظهار نظر درباره وی خودداری کرده‌اند، (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۴۵-۱۳۸) و برخی روایت سعید بن مسیب را به سبب دشمنی او با اهل بیت (ع) فاقد اعتبار می‌دانند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۱۵۹) مشهور، بلکه مسلم است که سوره توبه در سال نهم هجری نازل شده، درحالی که وفات ابوطالب (ع) در سال دهمبعثت بوده است، (زمخشری، الکشاف، دارالکتاب العربی، ج ۲، ص ۳۱۵؛ فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲۰۸؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۸۷ش، ج ۸، ص ۱۷۳) بنابراین، شأن نزول یاد شده در متن خود از جهت تاریخی دارای تضاد است، تا جایی که برخی از تفاسیر در حل آن، توجیهاً نامقبولی چون دو بار نازل شدن این آیه، (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۱۵۸) یا امکان استغفار پیامبر (ص) برای ابوطالب از زمان وفات او تاهنگام نزول آیه را مطرح کرده‌اند. (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۲۰۸)

ولی به این نکته که چگونه پیامبر (ص) سالها به عموی مشرک خود اظهار دوستی و ابراز محبت داشته، اشاره نکرده‌اند، درحالی که خداوند، آشکارا و مکرر او را از محبت به مشرکان بازداشته بود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۰ش، ج ۸، ص ۱۵۸-۱۵۷)

در بخشی از همین شأن نزول، ابوطالب اظهار داشت که من بر دین عبدالمطلب هستم و موحد بودن عبدالمطلب از نظر شیعه و بسیاری از اهل سنت، مسلم است. (شوشتری، مجالس المؤمنین، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۶۳)

از عباس بن عبدالمطلب نیز نقل می‌شود که ابوطالب پیش از وفات، به توحید و رسالت اقرار کرد و اشعار به جای مانده از وی، مؤید این مطلب است. (جزری، اسنی المطالب، مکتبه امام علی، ص ۳۷) برخی نیز معتقدند ابوطالب ایمان خود را کتمان می‌کرد تا بدینوسیله بتواند از رسول اکرم (ص) بهتر حمایت کند. (جزری، اسنی المطالب، مکتبه امام علی، ص ۳۳) در روایات اهل بیت (ع) نیز ابوطالب به اصحاب کهف، (کلینی، اصول الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴۸) و مؤمن آل فرعون، (ابن براج، جواهر الفقه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۹) تشبیه شده است. امام رضا (ع) به ابان فرمود: اگر به ایمان ابوطالب اقرار نداری، سرانجام تو آتش است. (مجلسی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۳۵، ص ۱۱۰، ص ۱۵۶)

ب) استغفار حضرت ابراهیم برای آزر

قرآن کریم پس از طرح ممنوعیت استغفار برای مشرکان در آیه ۱۱۳ سوره توبه، به سر استغفار ابراهیم (ع) برای آزر اشاره می‌کند که این آرمزش خواهی، زمانی بوده که ابراهیم (ع) همچنان به ایمان آوردن وی امیدوار بوده است، به همین سبب برای هدایت آزر به راه راست، به وی وعده آرمزش خواهی داد و به این وعده وفا کرد. اما زمانی که دشمنی او با خدا آشکار شد، از وی تبری جست. مضمون روایات در این زمینه این است که ابراهیم (ع) ایمان

آوردن آزر را شرط استغفار برای او قرار داد و پس از آنکه دشمنی آزر با خدا برای حضرت روشن شد، از وی بیزاری جست. (حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ مجلسی، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۷۷، ص ۸۸؛ ج ۱۲، ص ۱۵)

ج) بی تأثیر بودن استغفار برای منافقان

بی تأثیر بودن آمرزش خواهی برای منافقان در دو آیه از قرآن کریم آمده است. (سوره منافقون، آیه ۶؛ سوره توبه، آیه ۸۰)

در آیات علت بی تأثیر بودن استغفار برای آنان را کفر ایشان به خدا و رسول (ص)، و نبودن زمینه هدایت در گروه فاسقان می‌شمرد. (سوره توبه، آیه ۸۰) با توجه به اینکه منافقان بر اعتقاد باطل و رفتار زشت خویش اصرار داشتند و اصرار بر رفتار زشت نیز مانع پذیرش استغفار است. (سوره آل عمران، آیه ۱۳۵) چگونه ممکن است استغفار برای آنان مؤثر باشد؟

بسیاری از تفاسیر اهل سنت، ضمن نقل روایاتی، استغفار رسول خدا (ص) برای منافقان را سبب نزول آیه ۸۰ سوره توبه دانسته‌اند. (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۱۴۷) این نظر به دو جهت مخدوش است:

آیات سوره توبه در اواخر عمر نبی اکرم (ص) نازل شده، در حالی که همه سوره‌های مکی و بیشتر سوره‌ها و آیات مدنی، پیش از آن فرود آمده است و تدبیر در آن نشان می‌دهد که هرگز امیدی در نجات کافران و منافقان نبوده و نمی‌توان تصور کرد که وضع آنان بر رسول خدا پنهان بوده یا از بی تأثیر بودن استغفار برای آنان خبر نداشته است تا بخواهد با اصرار در استغفار برای آنان زمینه آمرزششان را فراهم سازد. با توجه به اصرار منافقان بر اعتقاد باطل خویش، آمرزش خواهی برای ایشان باعث ترغیب آنان به ادامه روش و اعتقاد باطل آنان می‌شد و این کار چگونه از رسول اکرم (ص) ممکن است؟ (فخر الرازی، التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۶، ص ۱۴۷؛ طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۹، ص ۳۵۴)

۴-برکات مادی و معنوی استغفار

با روشن شدن ارزش والای استغفار و نقش حیاتی آن در بهبود زندگی انسان؛ و این که استغفار دارای شرایط ویژه ای است که بدون آن دست یابی به همه آثار و برکات استغفار ممکن نیست؛ و با توجه به موانع متعددی که با وجود یکی از آن‌ها استغفار انسان فایده ای ندارد؛ اکنون مناسب است به بیان آثار و برکات استغفار پردازیم. این آثار و برکات در دو عرصه ظهور پیدا می‌کنند: بخشی از آن مربوط به امور مادی و اقتصادی است و بخش دیگر آثار پربار معنوی است که به مراتب اهمیت بیشتری دارد.

۴-۱ برکات مادی استغفار

اول (زندگی خوب و بهره‌وری از نعمت‌های خدا در دنیا

یکی از برکات مادی استغفار دست یافتن به زندگی خوب و دنیای آسوده و بی‌دغدغه تا آخرین لحظه عمر است . افزون بر آن ، افزایش کمالات و رشد فضایل نفسانی در وجود انسان ، پی‌آمد دیگری است که محصول زندگی خوب و آسوده است.

خدای مهربان در این زمینه از زبان پیامبرش (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌فرماید:

(وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ). (سوره هود ، آیه ۳)

(دعوت من این است که ...) استغفار کنید و از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید ، تا شما را تا مدت معین (که برای عمرتان قرار داده از نعمت‌های این جهان) به خوبی بهره‌مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی به مقدار فضیلتش ببخشد ، و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم .

دوم (نزول باران رحمت و نجات از خشک‌سالی

اثر پر بار دیگر استغفار که برکات آن شامل حال دیگران نیز می‌گردد ، نزول باران رحمت و در نتیجه رویش مناسب گیاهان ، سرسبزی مزارع و باغستان‌ها و شادابی میوه‌ها و سبزی‌هاست که حیات تمام موجودات زنده وابسته بدان است .

در آیات متعددی از قرآن به این اثر اشاره شده ، به گونه‌ای که جای تردید برای کسی باقی نمی‌گذارد.

در سوره هود خداوند کریم سخن پیامبرش حضرت هود (علیه السلام) را با مردم

خویش چنین بیان می‌فرماید:

(وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا). (سوره هود ، آیه ۵۲)

ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او باز گردید تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما فرو فرستد.

همچنین زبان حال پیامبرش حضرت نوح (علیه السلام) را چنین بیان می‌کند:

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * ... وَ يَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا).
(سوره نوح ، آیه ۱۰ - ۱۲)

به آن ها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است . (و اگر چنین کنید خداوند) باران های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما می فرستد ... و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار می دهد .

تردیدی نیست که کلید باران رحمت ، در دست خداوند قادر متعال است و تا مشیت و اراده حق به سیراب شدن سرزمینی تعلق نگیرد ، ابر رحمت ، باران خویش را فرو نمی فرستد .

او خود در منشور آسمانش می فرماید :

(وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ).

او کسی است که بادهای باران را پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد ؛ تا ابرهای سنگین را (بر دوش) کشند ؛ (سپس) ما آن ها را به سوی زمین های مرده می فرستیم ؛ و به وسیله آن ها ، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم و با آن ، هر گونه میوه ای (را از خاک تیره) بیرون می آوریم ؛ همان گونه (که زمین های مرده را زنده می کنیم) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم ، شاید (با توجه به این مثال قدرت خدا را) متذکر شوید .

یکی از آثار شوم گناهان بندگان ، در هر منطقه ای ، قحطی و خشک سالی است. پس چه بهتر که پس از انجام گناه ، از کردار خویش پشیمان شویم و به درگاه خدا روی آوریم و از او عذر خواسته و استغفار کنیم تا خداوند مهربان ، باران رحمتش را پی در پی بر ما فرو فرستد.

از مدارک معتبری استفاده می شود : هر جمعیتی که استغفار و عذر خواهی از خدای غفار را شعار خویش قرار دهند خدا آن ها را از قحطی و خشک سالی نجات می دهد ، و هر جمعیتی که گناهان را یکی پس از دیگری انجام داده و از استغفار و توبه غافل شوند ؛ خدا باران رحمتش را از آنان قطع می کند.

ذوالقرنین - بنده صالحی که خداوند به او قدرت و سلطنت داده بود و در قرآن به زندگی او اشاره کرده است از امت دانشمندی که در میان قوم موسی (علیه السلام) بودند ، پرسید: علت این که شما گرفتار قحطی (و خشک سالی) نمی شوید چیست ؟

گفتند:

مِنْ قَبْلِ إِيَّا نَا لَا نَعْفُلُ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ .

بدین خاطر که ما از استغفار و طلب آمرزش از خداوند غافل نمی شویم. (بحارالأنوار؛ ج ۱۲؛ ص ۱۷۶)

سوم (تقویت قوای جسمی و روحی ، فردی و اجتماعی

بی شک بسیاری از گناهان ، قوای جسمی و روحی انسان را تحلیل برده و او را به سوی ضعف و سستی و کسالت و تنبلی می کشاند و گاهی منجر به نابودی و از بین رفتن هستی او می گردد.

از طرفی چون استغفار و عذرخواهی از خداوند غفار ، باعث ریزش گناهان و از بین رفتن آثار سوء کردار زشت انسان می گردد ، پس یکی از آثار درخواست عفو و بخشش از خداوند ، زیاد شدن قوای جسمی و افزایش نیروهای متمرکز در روح انسان است . خداوند، سفارش حضرت

هود (علیه السلام) به قومش را چنین بیان می فرماید:

(وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ .)
(سوره هود ، آیه ۵۲)

ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید ، سپس به سوی او باز گردید ، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد ، و نیرویی بر نیرویتان بیافزاید ، و در حالی که گناه کارید (از حق) روی برنتابید .

چهارم (وسعت روزی و حل مشکلات اقتصادی

از آن جا که یکی از عقوبت های گناه برای مؤمن در دنیا ، گرفتاری های اقتصادی و فقر و تنگ دستی است که همچون خوره ای به جانس افتاده ، او را آزار داده و در اجتماع خوارش می کند و نیز از آن جا که استغفار شوینده گناهان و از بین برنده عقوبت آنها در دنیا با همه شدت و عظمتشان می باشد ، و با از بین رفتن گناهان زمینه ای برای گرفتاری مؤمن در اثر ارتکاب گناه باقی نمی ماند ؛ بدین خاطر یکی از برکات استغفار رهایی از ناداری و حل شدن مشکلات اقتصادی شمرده شده است. پس استغفار از گناه و عذرخواهی از خداوند ؛ باعث زدایش فقر و بیچارگی ، افزایش رزق و روزی ، برکت در مال و ثروت ، بهره مندی از نعمت های پروردگار و گشوده شدن گره های کور اقتصادی می گردد .

این خود اثر پرباری است که باعث توفیقات معنوی بسیاری در دنیا می شود . از این روست که خداوند با روشنی از آن یاد کرده و می فرماید:

(اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا .) (سوره نوح ، آیه ۱۰ - ۱۲)

از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار می دهد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در این زمینه می فرمایند:

مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۱)

کسی که زیاد استغفار گوید و از خدا عذرخواهی کند ؛ خداوند از هر غصه ای برایش گشایشی قرار دهد و از هر تنگنایی راه فراری پیش پایش گذارد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد .

امام رضا (علیه السلام) حدیث زیبایی را از پدران خویش ، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کنند که فرمودند:

مَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلَيْسَتْغْفِرِ اللَّهَ . (بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷)

کسی که روزیش به کندی به دست می آید ، باید استغفار کند و از خدا آمرزش طلبد .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز ، در سخن پرباری استغفار را سبب افزایش روزی شمرده ، می فرمایند:

أَلِإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷)

استغفار و طلب آمرزش از خداوند روزی انسان را زیاد می کند .

در سخن پر نور دیگری نیز همین اثر را برای زیاد گفتن استغفار ذکر می فرمایند:

أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ . (بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۷)

زیاد استغفار گوید و از خدا پوزش بطلبید تا روزی را (به سوی خود) جذب نماید .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، برای دست یافتن به روزی بیشتر و افزایش مال و ثروت ، استغفار خاصی را با مضامین عالی ، به مرد عربی - که سخت گرفتار بود - آموختند. بعد از یک سال که آن را هر شب قبل از خواب تلاوت کرده بود ، خدمت مولا آمد و عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین ! خداوند نعمتش را بر من تمام کرد . و آن قدر به من مال و ثروت عطا فرمود که از زیادیش ، نگهداری آن اموال برایم سخت شده است ، و جایی برای محافظت گوسفندان و شتران فراوانی که خداوند روزیم کرده است ندارم . (صحیفه العلویة الجامعة ، ص ۶۵۹)

خانواده های بسیاری از نداشتن ، یا کمی فرزند رنج می برند و برای دست یافتن به اولاد سالم و صالح در تلاش می باشند ، به هر دکتري مراجعه کرده ، و هر دارویی را مصرف می کنند و چه بسا ثروت زیادی را در این راه هزینه کرده و عاقبت هم نتیجه ای نمی گیرند. در حالی که نعمت فرزندداری نیز یکی از نعمت هایی است که زمام امرش به دست خداوند است و تا او اراده نکند ؛ کسی دارای فرزند - دختر یا پسر - نمی شود . و لذا خدای سبحان ، با کمال دلسوزی راه دست یافتن به چنین نعمتی را زیاد استغفار کردن شمرده و می فرماید:

(اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ). (سوره نوح ، آیه ۱۰ - ۱۱)

از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند .

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی، زمان و تعداد استغفار نمودن ، برای دست یافتن به چنین نعمتی را به یکی از اصحاب خویش آموخته اند.

محمد بن یوسف از پدرش نقل می کند : خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که مردی خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد : جانم به فدایت ، من ثروت زیادی دارم اما فرزندى برایم متولد نمی شود ؛ آیا راه چاره ای (برای رسیدن به این نعمت) هست ؟

امام (علیه السلام) فرمودند:

نَعَمْ اسْتَغْفِرْ رَبَّكَ سَنَةً فِي آخِرِ اللَّيْلِ مِائَةً مَرَّةً فَإِنَّ ضَيْعَتَ ذَلِكَ فَاقِضَهُ بِالنَّهَارِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ) . (بحار الأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۲۲۱)

آری، یک سال در ساعت آخر شب ، شبی صد بار از پروردگار خویش آمرزش طلبیده ، استغفار کن . و چنانچه ساعت آخر شب را از دست دادی قضای آن را در روز به جا آور، البته که خداوند می فرماید: « از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است . (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستاده و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می کند .»

در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) دستور استغفار برای فرزنددار شدن را به گونه دیگر بیان می کنند.

سلیمان بن جعفر گوید: مردی خدمت امام باقر (علیه السلام) آمد و از کمی فرزند به محضر آن حضرت گلایه کرد و گفت از کنیزان و زن های آزاد ، فرزند می خواهد ولی با این که شصت سال از عمرش می گذرد هنوز روزیش نشده است. امام (علیه السلام) فرمودند:

مدت سه روز بعد از نماز عشا ، و نماز صبح ، هفتاد مرتبه بگو: « سبحان الله » و هفتاد مرتبه استغفار کن و در انتهای ختم استغفار ، فرمایش خداوند در قرآن را بخوان . که فرموده است :

(اِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ * اِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا * وَ یُمْدِدْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَ بَنینَ وَ یَجْعَلْ لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَّكُمْ اَنْهَارًا) . (سوره نوح ، آیه ۱۰ - ۱۲)

سپس در شب سوم ، با همسرت همبستر شو . البته که با اجازه خداوند ، فرزند ی پسر ، سالم و کامل روزیت می گردد.

سلیمان گوید: آن مرد به دستور امام (علیه السلام) ، عمل کرد و هنوز سال بر او نگذشته بود ، فرزند ی روزیش شد که نور چشم او گشت. (بحارالانوار ، ج ۱۰۱ ، ص ۸۴)

از آنچه گذشت روشن می شود که یکی از برکات استغفار و مداومت بر آن این است که خداوند به آن ها که از او فرزند می خواهند، فرزند عنایت می کند . و این مسأله به تجربه هم ثابت شده است .

شخصی که ده سال ازدواج کرده بود و بچه دار نمی شد، استغفاری را که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است ؛ خود و همسرش یک سال هر شب قبل از خواب تلاوت کردند و بعد از یکسال خداوند فرزند ی صحیح و سالم به آن ها عطا فرمود.

نمونه دیگر : شخص موثقی از دوستان روحانی ، بعد از فرزند اولی که خدا به آنان داد ، تا مدّت پانزده سال از داشتن فرزند محروم بودند . و در این مدّت خود و همسرش به دکترهای متعدد و متخصصی مراجعه کرده و تحت درمان های مختلفی قرار گرفتند ولی نتیجه ای نگرفتند . بعد از سفارش به تلاوت این استغفار و ذکر آثار و برکاتش ، مدّت یکسال طبق دستور امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را تلاوت کردند و بعد از پانزده سال محرومیّت ، دارای فرزند دیگری گردیدند .

ششم) نجات یافتن از بلاهای خانمان سوز دنیا

یکی از عقوبت های گناه برای مؤمن در دنیا، نزول انواع بلاهای خانمان سوز برای او و خانواده اوست . و چنانچه گناه در اجتماع مسلمین فرا گیر شود و فضای شهر یا روستایی را آلوده سازد ، این بلاها عمومیت پیدا کرده و به صورت سیل ، طوفان ، زلزله ، تگرگ های شدید و جنگ های خانمان سوز و ... هستی آنان را بر باد می دهد.

در آیات متعددی از قرآن کریم به نزول بلاهایی سخت تر از این ها به خاطر معصیت و نافرمانی مردم در امت های گذشته ، اشاره شده است. گرچه چنین بلاهایی در امت اسلام ، به خاطر وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و اوصیای گرامیش (علیهم السلام) ، برداشته شده است و خداوند به صراحت آن را در قرآن اعلام کرده است:

(وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ). (سوره انفال ، آیه ۳۳)

تا تو (ای رسول ما) در میان این مردم هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند .

و امام زمان (علیه السلام) نیز به نقش وجود پر برکت خود ، در دور کردن بلا از شیعیانشان اشاره کرده و می فرماید:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي . (بحارالأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰ ؛ الدعوات ، ص ۲۰۷ ؛ کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۴۱)

من آخرین اوصیایم ، خداوند به وسیله من بلا و گرفتاری را از خاندان و شیعیانم برطرف می کند .

ولی نزول بلاهایی همچون سیل ، طوفان ، زلزله و ... هنگام زیاد شدن معصیت و نافرمانی خداوند در جامعه ، انکار مقدسات و ضروریات مذهب و بی اعتنایی به مقام ولایت امیرالمؤمنین و اولاد پاکش (علیهم السلام) ، برای احدی قابل انکار نیست و در طول تاریخ نمونه های زیادی داشته است .

از همین روست که خداوند کریم و مهربان ، برای پیشگیری از نزول چنین بلاهایی تنها راه نجات را پناه بردن به سایه استغفار بیان کرده است و بی درنگ پس از آیه مذکور می فرماید:

(وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ). (سوره انفال ، آیه ۳۳)

اگر مردم استغفار کنند و از خدای خویش آمرزش بخواهند خداوند آنان را عذاب نمی کند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در سخن زیبایی ، استغفار را عامل دور گشتن بلا و گرفتاری برشمرده و فرموده اند:

إِدْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالِاسْتِغْفَارِ .

درهای بلاها و گرفتاری ها را به کمک استغفار ببندید . (مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۸)

پس یکی از مهمترین آثار و برکات استغفار در دنیا نجات یافتن از بلاهای ویرانگر است که زندگی انسان را به آتش می کشند و نعمت های خداوند را از او سلب می کنند.

هفتم) دفع عذاب از دیگران به وجود استغفار گویان

استغفار نه تنها سبب نجات انسان از بلاهاست بلکه از دیگران نیز عذاب را دور می سازد، و این بدان خاطر است که جایگاه استغفار در نزد خدا بسیار عظیم است، و مستغفرین بسی محبوب خدایند.

آری! مقام استغفارگویان به قدری ارجمند است که خداوند به احترام آنان، از عذاب مردمان شهر یا روستا که به خاطر معصیت و نافرمانی خداوند مستوجب عذاب و بلائی الهی شده اند، صرف نظر می کند و به خاطر عده معدودی که سحرگهان استغفار می کنند و از خوف خدا اشک می ریزند، آن ها را عذاب نمی کند.

امام صادق (علیه السلام) در این باره حدیث پرباری را از پدرانشان، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کنند که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ: يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي، لَوْلَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي، أَلْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي، أَلْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَرِ خَوْفًا مِنِّي، لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي. (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۸۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۴)

زمانی که خداوند اهل شهر و دیاری را ببیند که در گناهان زیاده روی کرده اند ولی سه نفر از مؤمنان در میان آنان هستند، خداوند - که جلالتش بزرگ و نامهایش مقدس است - اهل آن منطقه را چنین ندا می کند:

ای اهل نافرمانی من، اگر در میان شما برادران مؤمن تان نبودند که به یکدیگر در راه جلال من اظهار محبت کنند، با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد سازند و در سحرگهان از ترس من استغفار گفته و طلب آمرزش کنند؛ هر آینه عذابم را بر شما نازل می کردم و مرا باکی نبود.

هشتم) رفع غم و غصه، رهایی از مشکلات

زندگی امروز بشر، با مشکلات، ناملايمات و سختی های فراوانی همراه است. هر کس برای رهایی خویش از غم و اندوه، به وسیله ای متوسل می شود تا از عواقب سوء آن در امان مانده و گرفتار پی آمدهای ناگوارش نگردهد.

چه بسا افرادی در اثر دیدن مشکلات سخت و دست و پنجه نرم کردن با غم و غصه های گوناگون، گرفتار ناراحتی های شدید عصبی و نارسایی های سخت روحی گشته اند و برای درمان خود بار سنگین سفرهای پرتلاش و کم سودی را به دوش کشیده اند و مخارج زیادی را متحمل شده اند و ضررهای اقتصادی فراوانی دیده اند. غافل از آن که خدای مهربان - که تمام احکام و دستوراتش برای سعادت و آسایش بشر وضع شده است - در این

زمینه نیز دستوراتی را به انبیا و فرستادگانش داده است تا برای مردم بیان کنند و کامل ترین آن را در اختیار برترین پیامبرش قرار داده است.

مهمترین عامل نجات از مشکلات و سختی ها و بهترین سبب زدودن غم و اندوه در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) استغفار و عذرخواهی از خدای مهربان، معرفی شده است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبایی می فرمایند:

مَنْ كَثُرَ هُمُومُهُ فَلْيَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ . (بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۳)

هر کس غم و غصه اش زیاد است ، باید زیاد استغفار کند .

و نیز در عبارت دیگری میدان تأثیر استغفار را گسترده تر معرفی کرده و فرموده اند:

عَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّهُ الْمُنْجَاهُ . (بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۳)

بر تو باد به استغفار و عذر خواهی از خداوند که استغفار نجات دهنده (انسان از مشکلات و سختی ها) است.

امام هادی (علیه السلام) ، برای رهایی از مشکلات و ناروایی ها ، به استغفار به عنوان دعایی خاصّ که مورد تأکید پدران گرامیشان (علیهم السلام) نیز بوده است ، سفارش می کنند .

محمد بن ریّان گوید: نامه ای به امام هادی (علیه السلام) نوشتم و از آن حضرت دعایی خواستم برای رهایی از سختی ها و بلاهایی که نازل می گردد و مشکلاتی که دست و پا گیر انسان می شود ، و در نامه ام تأکید کردم : همان گونه که پدران گرامیشان به دوستانشان مطالب خاصی را می آموختند ، به

من نیز دعایی مخصوص بیاموزند (که از آن بهره فراوان ببرم) ، حضرت در جواب چنین مرقوم فرمودند:

أَلْزِمِ الْإِسْتِغْفَارَ . (بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۳ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۷)

همیشه و در همه حال با استغفار همراه باش (و آن را تلاوت کن)! .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام دلنشینی ، برای نجات از غم و اندوه و تنگنای زندگی ، به زیاد گفتن استغفار سفارش کرده اند:

مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجاً وَ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۸۱)

هر کس زیاد استغفار کند خداوند، نسبت به هر غصّه و اندوهی گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد ، و از جایی که گمان ندارد او را روزی دهد .

نهم) نجات از قرض و پرداخت بدهی

یکی از مشکلات اقتصادی مسلمانان و مخصوصاً دوستان امیرمؤمنان (علیه السلام)، گرفتار شدن به قرض و وام های دراز مدت است که در موارد بسیاری با ربا و سود دهی غیر مجاز همراه است و باعث خمودی و انحطاط فکری مسلمین و ضررهای سنگین مالی و سقوط در گرداب گناه می گردد. و عواقب سوئی را برای فرد و جامعه در بر دارد و ضربه های سهمگینی بر پیکر نظام اقتصادی اجتماع وارد می سازد.

از طرفی اشخاص بسیاری برای بهبود زندگی خویش، ناچار به گرفتن وام بدون بهره هستند. این گونه وام گرفتن، هر چند ضرری به همراه ندارد بلکه در بسیاری از اوقات گره های کور اقتصادی وام گیرندگان را باز می کند و برای وام دهندگان ثواب عظیم و برکات فراوانی را به دنبال دارد. اما فرو رفتن در گرداب قرض و دست و پا زدن برای بازپرداخت وام، از مشکلات سختی است که مؤمن را در دنیا گرفتار، فکرش را مشغول و عمرش را کوتاه می کند؛ چرا که غم و غصه پرداخت اقساط ماهیانه و تأمین وجه چک هایی که به اشخاص مختلف داده است برای کسی که قدرت تهیه و پرداخت آن را ندارد، آرامش زندگیش را سلب کرده و سلامت جسم و جانس را به خطر می اندازد.

در کلمات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) برای رهایی از این مشکل و سهولت در پرداخت بدهی، راه هایی ارائه شده است.

یکی از مهمترین آن ها، زیاد استغفار نمودن و عذرخواهی کردن از خدا در ساعات شب و روز است.

اسماعیل بن سهیل گوید: برای امام باقر (علیه السلام) نامه ای نوشتم، (مشکل خود را عنوان کردم) که گرفتار قرض سنگینی شده ام (به گونه ای که فکرم را مشغول کرده و آبرویم را به خطر انداخته است).

حضرت در جواب نامه ام نوشتند:

أَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ وَرَطِّبْ لِسَانَكَ بِقِرَاءَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» . (کافی، ج ۵، ص ۳۱۶، ح ۵۱)

زیاد استغفار کن و زیانت را به تلاوت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تر و تازه گردان (سوره قدر را مرتب تلاوت کن).

۴-۲ برکات معنوی استغفار

اول) مغفرت و آمرزش خداوند

مهمترین اثر معنوی استغفار و طلب آمرزش از خداوند، دست یافتن به مغفرت و آمرزش خدای سبحان است.

شاید این اثر، برترین و پر برکت ترین خاصیت این ذکر شریف باشد. بلکه ریشه دست یابی به سایر آثار مادی و برکات معنوی استغفار، آمرزش گناهان است. چرا که اکثر گرفتاری های انسان به انواع سختی ها و بلاها و عمده

محرومیت های او از کارهای خیر و نعمت های مادی و معنوی ، معلول غفلت و کوتاهی او در انجام واجبات و کارهای نیک ، و اصرار او بر کردار زشت و ناپسند است.

این دو عامل (ترک واجبات و انجام مُحَرَمَات) آتش غضب خداوند را شعله ور می سازد و زندگی انسان را در آتش فقر ، مرض ، قرض و محرومیت از نعمت های مادی و توفیقات معنوی ، می سوزاند . ولی به مجرد عذر خواهی و استغفار، عنایت خداوند غفار شامل حال بنده گنهکار می شود ، باران رحمت و مغفرت پروردگار بر پیکر و روح او می بارد ، جان و دل آلوده او را شستوشو می دهد ، عوامل نزول بلا و گرفتاری را از وجود او زدوده و زمینه عنایات حق را در زندگی او فراهم می سازد.

خداوند غفور برای دعوت بندگانش به سوی خویش و بهره مند ساختن آنان از عنایت و مغفرتش ، آیات متعددی بر پیامبرش نازل کرده است. در یک جا می فرماید:

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ وَكَمْ يَصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ . أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ) . (سوره آل عمران ، آیه ۱۳۵)

آن ها که وقتی عمل زشتی انجام دادند و یا به خود ستم کردند، به یاد خدا افتاده و برای گناهان خویش از خداوند آمرزش طلبیدند ، و بر گناه خویش اصرار نورزیدند، پاداششان آمرزش پروردگارشان می باشد . و چه کسی جز خدا گناهان را می بخشد ؟ ایشان خوب می دانند (که اصرار بر گناه با استغفار سازش ندارد و جز خدا کسی گناهشان را نمی بخشد) .

در جای دیگر با تعبیر زیباتری می فرماید:

(وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) . (سوره نساء ، آیه ۱۱۰)

هر کس کار بدی انجام می دهد یا به نفس خویش ستم می کند و سپس استغفار می کند خداوند را بسیار آمرزنده و مهربان می یابد .

تعبیر (يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) در این آیه کریمه ، از وعده حتمی خداوند نسبت به آمرزش کسی که بعد از گناه خویش استغفار کرده، حکایت می کند . یعنی حتماً مغفرت و آمرزش خداوند شامل حال چنین کسی می شود و آثار آن در زندگی او ظاهر می گردد.

از همین روست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای رسیدن به چنین حالتی به امت خویش سفارش می کنند که زبان خویش را به استغفار و عذرخواهی از خداوند عادت دهند تا گناهی بدون استغفار نماند و شیعه ای از آمرزش خدای غفار محروم نگردد حضرتش می فرماید:

عَوَدُوا أَلَسْتُمْ إِسْتَغْفَارَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَعْلَمْكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ . (مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱)

زبانهایتان را به استغفار و آمرزش طلبیدن ، عادت دهید که خداوند استغفار را به شما نیاموخت مگر برای این که می خواهد شما را ببخشد .

امام رضا (علیه السلام) در تمثیل زیبایی ، استغفار را تشبیه می کند به تکانی که بر درختی وارد می شود و برگ های آن را بر زمین می ریزد:

مَثَلُ الْإِسْتِغْفَارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرٍ تَحْرَكَ فَيَتَنَاثَرُ ، وَالْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِي بِرَبِّهِ . (کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶)

مثل استغفار ، مثل برگی است که بر درختی است ، و حرکت باد یا طوفان آن را بر زمین می افکند ، و کسی که از گناهی استغفار می کند و در عین حال مرتکب آن می شود همچون کسی است که پروردگار خویش را مسخره می کند .

آری طلب آمرزش از خداوند ، درخت عمل انسان را تکان می دهد و برگ های سیاه گناه را از شاخه های آن جدا می سازد و آمرزش خداوند را برای او به ارمغان می آورد.
دوم (پذیرفته شدن توبه

آنچه برای مؤمن گنهگار بعد از توبه و استغفار ، از همه چیز مهمتر است ، این است که بداند : آیا توبه اش پذیرفته شده یا نه؟ آیا همان گونه که او به سوی خدا بازگشته است و از کردار زشت خویش دست کشیده است ، خدا هم به سوی او روی آورده و توبه اش را پذیرفته است یا خیر؟

از مدارک معتبری استفاده می شود که یکی از عوامل پذیرش توبه، اظهار ندامت و اقرار به گناه و طلب آمرزش از خداوند است که در اصطلاح آیات و روایات از آن تعبیر به استغفار می شود. و نقطه مقابل آن اغترار است ، که نشانه تکبر و غرور بنده در برابر خدای سبحان است .

بنده ای که آلوده به اغترار است با این که گناه کرده ، از کردار خود پشیمان نمی شود ، لذا حاضر به اقرار به گناه و عذرخواهی و استغفار نیست و این حالت بنده خوشایند خداوند نیست . و از آن جا که بهترین دعا استغفار است ، خدا بندگان را دعوت به دعا کرده و سپس در مذمت کسانی که از خواندن او تکبر میورزند فرموده است:

(إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) . (سوره غافر ، آیه ۶۰)

به راستی کسانی که از خواندن من تکبر میورزند به زودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند گشت! .

و همان قدر که خداوند این حالت بنده را دشمن می دارد ، از حال استغفار و عذرخواهی او خشنود می شود و آغوش مهر و رحمتش را به روی او می گشاید. مخصوصاً اگر شخص گنهکار ، علاوه بر استغفار خویش ، از مولا و امام خود نیز بخواهد ، برای گناه او طلب آمرزش کند. که در این صورت امام مهربان او هم برایش استغفار خواهد کرد و وعده خداوند نسبت به پذیرش توبه او تحقق می پذیرد. خداوند کریم در این باره می فرماید:

(وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا). (سوره نساء ، آیه ۶۴)

اگر اینان زمانی که به خود ستم کردند نزد تو آمده و از خدا آمرزش می طلبیدند ، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز برای آن ها استغفار می کرد، خدا را پذیرای توبه و مهربان می یافتند .

تعبیر (لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) در این آیه شریفه ، از پذیرش توبه چنین افرادی حکایت می کند ، پس اگر مؤمن گنهکار از خدای خویش آمرزش طلبد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) یا امامی که اعتقاد به امامتش دارد و در عصر او زندگی می کند، برایش استغفار کند ، وعده خداوند در مورد پذیرش توبه و استجاب استغفارش - درباره او - به ثمر می نشیند و اثر آمرزش طلبی خویش را در می یابد .

سوم) رفع بوی بد گناهان و معطر شدن به عطر استغفار

خدای متعال ، در عین حال که سناآرا العیوب است و تا زمانی که بنده ای از حدّ خویش پا فراتر نگذاشته و بی باک در گناه نگشته باشد ، عیب او را می پوشاند ؛ اما گناه و پشت پا زدن به فرامین خداوند آثار وضعی و لوازم طبیعی ای دارد که گریزی از آن نیست و بنده گنهکار چاره ای جز تحمل آن آثار ندارد.

از طرفی اشخاص متخلف و گنهکار نوعاً دوست ندارند کسی از گناهشان با خبر گردد و تا می توانند گناه خویش را پنهان می سازند ، و اگر کردار زشتشان نشانه و آثاری داشته باشد ، در پوشاندن و از بین بردن آن تلاش می کنند.

یکی از پی آمدهای گناه ، تاریک شدن روح و متعفن گردیدن جسم و جان انسان است . و در صورتی که خدا اجازه دهد ، این تعفن و گندیدگی را فرشتگان آسمان استشمام می کنند و در بسیاری موارد صاحب آن را نفرین می کنند ؛ همچنین انسان هایی که پاک زیسته اند و اتصالی با عالم ملکوت یافته اند گاهی بوی بد گناه را استشمام می کنند.

یکی از آثار و برکات استغفار - مخصوصاً اگر بلافاصله بعد از گناه باشد - از بین بردن آثار گناه از جمله بوی بد گناهان - این اثر رسوا کننده - است . افزون بر این ، معطر گشتن انسان به عطر دل انگیز استغفار ، یکی از برکات معنوی این ذکر شریف به شمار می رود .

آری! کسی که هر روز و هر شب در گلستان عذرخواهی و آمرزش طلبی قدم زند و از انواع گل های معطر آن در هر فصلی، شاخه ای بچیند، خانه وجودش معطر می گردد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پر مغزی می فرماید:

تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ ، فَلَا تَفْضَحَنَّكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ . (وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۰ ; بحار الأنوار ، ج ۶ ، ص ۲۲)

با استغفار و آمرزش خواهی از خداوند، خود را معطر کنید، تا بوی بد گناهان شما را رسوا نکند

چهارم) دست یافتن به رضوان خداوند

مقام رضا و خشنودی خداوند، برترین مقامی است که خدا در قیامت به بندگانش عطا می فرماید. وقتی در قرآن سخن از پاداش مؤمنین و مؤمنات به میان می آید و از بهشت عدن به عنوان بهترین منزلگاه، یاد می شود، از مقام رضا و خشنودی حق به عنوان ثوابی بزرگتر و بالاتر از بهشت عدن و نعمت های جاودانه خدای سبحان یاد می گردد و رستگاری عظیمی برای مؤمن به شمار می آید.

ذات اقدس حق در این باره می فرماید:

(وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنْ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ). (سوره توبه، آیه ۷۲)

خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده است که نهرهایی از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن های پاکیزه ای در بهشت های عدن (نصیب آن ها ساخته) است، و رضا و خشنودی خداوند (از همه این ها برتر و) بزرگتر است و این رستگاری بزرگی است.

بزرگتر بودن مقام رضا و خشنودی حق از بهشت عدن و برترین نعمت های بهشت، بدان جهت است که دست یافتن به رضا و خشنودی خدا در دنیا و در نتیجه رسیدن به رضوان حق در آخرت، عامل دست یافتن به همه نعمت های ابدی خداوند در قیامت می باشد که برترین آن ها، دخول در زمره بندگان مخلص او، محمد و آل محمد (علیهم السلام) است. و بهشت واقعی

برای اهل بهشت، همنشینی با این پاکان عالم وجود است. از همین روست که خداوند پاداش بندگان پاک و مورد پسند خویش را چنین بیان می فرماید:

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي). (سوره فجر، آیه ۲۷ -

ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که تو از او خشنودی و او هم از تو راضی است، پس در زمره بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو.

اکنون که عظمت و بزرگی مقام رضوان و خشنودی ذات اقدس پروردگار روشن شد، باید بدانیم که یکی از برکات استغفار دست یافتن به چنین عظمتی است؛ و از همین جا مفهوم عناوینی که درباره استغفار به کار رفته است بهتر مشخص می شود.

عبارت هایی مانند: « خَيْرَ الدُّعَا » و « خَيْرُ الْعِبَادَةِ » و « نِعْمَ الْوَسِيلَةَ » و « اَعْظَمُ اجْرًا » و « اَسْرَعُ مَثْوِيَةً » و « اَعْظَمُ بَرَكَهً »، عناوینی است که در مورد استغفار به چشم می خورد. این تعابیر بلند، همگی حکایت از این دارد که یکی از برکات معنوی این ذکر مبارک، دست یافتن به مقام رضوان و خشنودی ذات قدوس إله است که از بهشت و تمام نعمت های جاودانه خدا نیز برتر و بالاتر است و سبب همنشینی با عباد مخلص خدا، محمد و آل محمد (علیهم السلام) در بهشت می گردد. و این خود بیانگر اوج ارزش استغفار است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پربار و جامعی می فرمایند:

ثَلَاثٌ يَبْلُغْنَ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ: كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ، وَ خَفْضُ الْجَانِبِ، وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ. (مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۶۰۱)

سه چیز است که بنده را به رضوان و خشنودی خدا می رساند:

۱ - زیاد استغفار کردن.

۲ - فروتن و نرم خوی بودن.

۳ - زیاد صدقه دادن.

پنجم) همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)

یکی از وظایف سنگینی که خداوند بر دوش همه ایمان آورندگان به خویش و رسولش گذارده، این است که هر مسلمانی به گونه ای باید گام بردارد که در عقیده و عمل، رفتار و گفتار و اذکار و اوراد، همراه با اولیای او، یعنی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) باشد؛ قدمی از آنان جلو نرود، گامی از ایشان عقب نماند و همراهی با آن بزرگواران را همیشه و همه جا رعایت نماید. او خود در قرآن کریمش می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ). (سوره توبه، آیه ۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید، تقوا پیشه کنید و همراه با صادقین باشید.

صادقین در این آیه شریفه ، کسی جز پیامبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام) نیست . در روایات متعددی صادقین به امامان دوازده گانه شیعه تفسیر شده اند . و ظاهر امر و فرمان خداوند - که بدون قید و شرط صادره شده است - وجوب معیت و همراهی با این بزرگواران در تمام جهات فکری و اعتقادی ، فقهی و عملی ، عرفانی و اخلاقی است . نه تنها همه مسلمین موظفند در تمام ابعاد زندگی با اینان و همراه ایشان باشند ، بلکه از معیت و همراهی با غیر آنان مخصوصاً دشمنانشان باید پرهیز نمایند.

از این روست که در زیارت جامعه کبیره - که سراسر آن درس امام شناسی است - خطاب به آن بزرگواران عرض می کنیم:

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ (عَدُوِّكُمْ) . (مفاتیح الجنان)

من همیشه و همه جا با شما و همراه شمایم، نه با غیر شما و دشمنان شما .

بی شک ، همراهی با این بزرگان آفرینش ، اکسیر اعظمی است که موجب توفیقات فراوانی در زندگی مادی دنیوی ، و منشأ دستیابی به مقامات عالیه در حیات جاودانه آخرت است.

آنچه در این رابطه حایز اهمیت می باشد، دست یافتن به کلید این گنجینه کمال است، که راه را کوتاه می کند و باب وصال اولیای حق را به روی انسان می گشاید.

یکی از عواملی که توفیق همراهی با این بزرگواران را نصیب انسان می سازد ، و کلید خانه وصل امام زمان (علیه السلام) به شمار می آید ، کثرت استغفار و عذرخواهی همیشگی از خداوند است .

اسماعیل بن سهل گوید: به امام جواد (علیه السلام) نامه ای نوشتم بدین مضمون :

عَلِمْنِي شَيْئاً إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

به من چیزی بیاموزید که هر گاه آن را خواندم در دنیا و آخرت با شما و همراهتان باشم.

امام (علیه السلام) به خط مبارکشان ، که آن را می شناختم ، چنین مرقوم فرمودند:

أَكْثَرَ مِنْ تَلَاوَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ، وَرَطْبُ شَفْتَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ . (بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۹)

سوره « انا انزلناه » را زیاد تلاوت کن ، و دو لب خویش را به طلب آمرزش ، تر و تازه گردان (و زبانت را همیشه به ذکر استغفار مترنم ساز) .

بنابراین یکی از آثار معنوی استغفار و عذرخواهی از خداوند این است که توفیق همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) در دنیا و آخرت، مخصوصاً بودن با امام زمان (علیه السلام) و بهره جستن از وجود پر برکت آن ذات پاک را نصیب انسان می گرداند.

ششم) محبوبیت نزد خدا و امام زمان (علیه السلام)

علاقه به محبوب شدن در نزد دیگران ، در فطرت هر انسانی نهفته است . کسی را نمی یابید که دوست نداشته باشد محبوب دیگران شود. نوع افراد دوست دارند محبوب کسانی باشند که دارای علم ، قدرت ، کمال ، جمال ، معنویت و صفات نیک انسانی باشند ، تا هر زمان که به مشکلی برخوردند ، با مراجعه به ایشان و اشاره آنان مشکلشان حل شود.

پس شکی نیست که هر چه محبوب انسان ، قدرت و آگاهی بیشتری داشته باشد ، علاقه به محبوب گشتن در نزد او بیشتر می شود. از طرفی هر چه محبوبیت انسان در نزد صاحب قدرتی بیشتر باشد استفاده بیشتری از نفوذ و قدرت او می تواند بکند . به همین دلیل افراد زیرک ، سعی می کنند کاری کنند که خوشایند محبوبشان باشد و بر محبوبیت خویش در نزد او بیفزایند تا از طریق او به تمام خواسته هایشان برسند .

اکنون اگر شخص مورد علاقه انسان ، خداوند قدرتمندی باشد که در علم ، کمال ، قدرت و توانگری ، نظیری ندارد . او که هر چه را اراده کند برایش فراهم است:

(إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ). (سوره یس ، آیه ۸۲)

هر زمان چیزی را اراده کند ، به آن می گوید باش ، پس آن چیز تحقق می پذیرد .

پس محبت به محبوبیت در نزد چنین محبوبی، نباید قابل قیاس با علاقه به محبوبیت در نزد دیگران باشد.

این محبوبیت زمانی تحقق پیدا می کند که بنده ای که طالب چنین موقعیتی است ، خواسته های محبوب خویش را به جا آورد.

یکی از کارهایی که خدا از بندگانش خواسته است و بسیار خوشایند اوست، حالت توبه و استغفار پی در پی بنده به پیشگاه خداوند ذوالجلال است . او خود در قران کریمش می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ). (سوره بقره : آیه ۲۲۲)

خداوند کسانی را که زیاد توبه و استغفار می کنند ، دوست دارد و (همچنین) پاکی طلبان را (نیز) دوست دارد .

با توجه به اینکه « تَوَّابٍ » صیغه مبالغه است ، و به کسی گویند که پیای توبه و استغفار کند ؛ بنابراین ، خداوند کسانی را که مرتب ، هر روز و شب استغفار می کنند ، دوست دارد . علاوه بر این ، توبه و استغفار یکی از

مصادیق روشن دعا است و بلکه از استغفار به عنوان بهترین دعا یاد شده است . (کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶) پس کسی که زیاد توبه کند و از خدا آمرزش طلبد ، مصداق اصرار کننده در دعا نیز بشمار می آید ؛ و تردیدی نیست که چنین فردی محبوب خدا می باشد .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلْحِنِينَ فِي الدُّعَاءِ . (بحارالأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۷۸ ؛ الدعوات ، ص ۲۰)

به راستی ، خداوند اصرار کنندگان در دعا را دوست دارد .

بنابراین یکی از آثار پر بار استغفار و طلب آمرزش از خداوند ، محبوب شدن در نزد خدایی است که همه عالم تشنه محبت او و در انتظار عنایت اویند . بی شک کسی که محبوب خدا گردد همه عالم کارگزارش می گردند و تا آن جا که صلاح اوست خواسته هایش برآورده می شود . و کسی که محبوب خدا گشت و لیش ، امام زمان (علیه السلام) نیز دوستش دارد، و از برکات و جودی خویش بهره مندش می سازد.

هفتم) ورود در نور اعظم خدا

نور زیباترین و لطیف ترین موجودات در جهان ماده است و سرچشمه همه زیبایی ها و لطافت ها به شما می رود و وسیله ای برای مشاهده موجودات مختلف در جهان ماده است.

نور خورشید پرورش دهنده گل ها و گیاهان و رمز بقای تمام موجودات زنده و نابود کننده انواع میکروب ها و موجودات موذی است . و بدون آن ادامه حیات برای هیچ موجود زنده ای امکان ندارد.

نور مبدأ همه کمالات و توفیقات مادی و معنوی است ؛ زندگی بدون روشنایی برای احدی مقدور نیست . توفیق کمال یابی نیز در سایه نور و روشنایی به دست می آید . با توجه به این که همه کمالات دنیوی و اخروی و تمام پیشرفت های مادی و معنوی از برکت نور برای بشر فراهم می گردد ، خداوند از میان تمام محسوسات ، وجود اقدس و بی مثال خویش را به نور مثل می زند و می فرماید

(اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) . (سوره نور ، آیه ۳۵)

خدا نور بخش آسمان ها و زمین است ، مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد ، چراغ در حبابی قرار دارد که شفاف و درخشنده ، همچون ستاره فروزان است . این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت زیتونی گرفته شده که نه شرقی و نه غربی است (هم از نور آفتاب که از سمت شرق در

صبح می تابد استفاده می کند و هم از نوری که از سوی غرب می تابد . آنچنان روغنش صاف و خالص است که (نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود ، نوری بر فراز نور دیگر است ، و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند و خداوند برای مردم مثل هایی می زند و بر هر چیزی آگاه است .

هر بخشی از این آیه به پیغمبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام) ، این انوار مقدسه هدایتگر ، تفسیر شده است و خدا هر که را بخواهد از ظلمت جهل و گمراهی نجات دهد و با دین خویش آشنا سازد ، به نور اینان ، مخصوصاً امام زمان (علیه السلام) هدایت می نماید

پس راه یافتن به نور ، به معنای راه یابی به کلید همه مشکلات و گشوده شدن باب همه کمالات ، و هدایت یافتن به همه سعادت ها است.

از سوی دیگر هر چه قدرت نور و شدت تابش آن بیشتر شود، منطقه وسیع تری را روشن می کند و امکانات بیشتری را برای بشر در پیمودن راه سعادت ، فراهم می سازد.

اضافه بر این ، هر چه عظمت آنچه نور بدان اضافه می گردد ، بیشتر باشد به همان میزان ، نور هم عظمت می یابد. زیرا یکی از خواص اضافه ، سرایت خصوصیات مضاف الیه به مضاف است . گفته می شود : نور شمع، نور لامپ، نور پروژکتور ، نور ستاره ، نور ماه ، تا می رسد به نور خورشید که منبع همه انوار در جهان ماده است . پس هر نوری به ملاحظه آنچه که بدان اضافه گشته است ، دامنه روشنایی و تابش مشخصی دارد و محدود به گستره وجودی مضاف الیه است . هر چه مضاف الیه عظمتش بیشتر ، عظمت نور هم بیشتر می گردد.

اکنون اگر نور به خدایی نسبت داده شود که خالق همه انوار و مصدر همه فیوضات است و حقیقت هر نوری به لطف و عطای او وابسته است ، دامنه این نور تا چه حد گسترش پیدا کرده و چه آثار پرباری را به ارمغان می آورد؟ خدا می داند.

با روشن شدن این مقدمه ، باید بگوییم: یکی از آثار و برکات عجیب استغفار که در روایات بدان اشاره شده ؛ این است که انسان ، در نور اعظم خداوند وارد می شود . ورود در میدان این نور ، با هستی انسان چه می کند؟ و چه ابوابی را به روی او می گشاید؟ جز خدا کسی نمی داند.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام پر نوری می فرمایند:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ:

مَنْ كَانَ عِصْمَهُ أَمْرَهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ مَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ، وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ . (وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۰ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۰ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۱۴۶ ؛ ثواب الأعمال ، ص ۱۶۵)

چهار چیز است که در هر کس باشد ، در نور اعظم خدا خواهد بود:

۱ - کسی که گواهی به این که معبودی در عالم جز خدای یکتا نیست و این که من رسول خدایم، باعث حفظ و نگاه داری او (از خطا و لغزش) گردد.

۲ - کسی که هر گاه مصیبت و سختی بر او وارد شود بگوید: « إنا لله و إنا إليه راجعون » ، ما برای خداییم و به سوی او بازگشت می کنیم .

۳ - کسی که هر گاه خیری به او رسید بگوید: « أَلْحَمْدُ لِلَّهِ » ، حمد و سپاس مخصوص خدای یکتا است .

۴ - کسی که هر زمان مرتکب خطایی گشت بگوید: « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ » ، از خدا آمرزش می طلبم و به سوی او باز می گردم .

هشتم) درخشش نامه عمل ، آن گاه که بالا می رود

با توجه به آنچه در بحث قبل ذکر شد، قدم نهادن در وادی عذرخواهی و پوزش طلبی از خداوند غفور ، یعنی : گام نهادن در بساط نورانی حق و نشستن بر سر سفره روحانی خدایی که خالق همه انوار ، و پذیرای توبه بندگان است که با باز نمودن پنجره توبه و استغفار ، به سوی خورشید مغفرت حق نوری یافته اند و خانه دل خویش را روشن ساخته اند . و لازمه روی آوردن به چنین شعاع پرنوری ، نورانی شدن همه وجود انسان و نجات هستی او از تمام ظلمت ها و تاریکی هاست .

از جمله تاریکی هایی که امنیت انسان را در عوالم بعد از مرگ تهدید می کند ، تاریکی نامه عمل اوست ، که در واقع انعکاس اعمال زشت او در عالم برزخ و قیامت است .

پر واضح است ، وقتی انسان بر اثر استغفار ، در نور اعظم حق داخل گشت و ظلمت گناهانش برطرف شد ، تاریکی نامه عمل او نیز از بین خواهد رفت. بلکه می توان گفت: بنده گنهگار ، به خاطر توبه و آشتی با خداوند به جایی می رسد که خدا به سوی او رو می کند و روی آوردن خدا به سوی او باعث می شود که نور قدسی حق در صحیفه کردارش منعکس گردد و نامه عملش نورانی شود.

از این جا به یکی دیگر از آثار و برکات معنوی استغفار پی می بریم که عبارت است از: نورانی شدن نامه عمل انسان به نور حق ، به گونه ای که وقتی به آسمان برده می شود از درخشش خاصی برخوردار است .

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی به این مطلب اشاره کرده و شرط دست یافتن به چنین اثر پر باری را زیاد استغفار کردن معرفی می فرمایند :

إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ ، رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ تَلَأَلُ . (کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶)

هر گاه بنده ای زیاد استغفار گوید و از خدا آمرزش طلبد، نامه عملش در حالی که نور افشانی کرده ، و می درخشد ، بالا می رود .

نهم) زمین خوردن شیطان و ختنی شدن و سوسه های او

شیطان دشمن درجه یک بشر ، و عامل تمام انحرافات و لغزش های

فکری و عملی انسان است و پیوسته دنبال گمراه نمودن مؤمنین و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است.

تنها بندگان خاصّ خدایند که در اثر اخلاص در ایمان و عمل ، از شرّ او در امانند. روزی که خداوند او را از درگاه خویش راند ، قسم یاد کرد که به جز بندگان مخلص خدا ، همه بندگان را گمراه خواهد نمود :

(فَبِعِزَّتِكَ لَا غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ) . (سوره ص ، آیه ۸۳)

به عزّت سوگند همه آنان را گمراه خواهد کرد ، مگر از میان آن ها بندگان خالص شده تو ، را .

مخلصین در دیدگاه روایات ، ائمه طاهرین (علیهم السلام) هستند ، که راه های

مبارزه با شیطان را از خدای خویش آموخته اند ، و برای رهایی از چنگال شیطان ، مؤمنان را به پیمودن آن سفارش کرده اند .

کسی که طالب کمال و رهایی از دام شیطان است ، باید این ارشادات را در زندگی خود به کار گیرد و بدین وسائل ، با شیطان و مریدانش مبارزه کند.

یکی از مهمترین عوامل مبارزه با شیطان که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) از آن یاد شده است، زیاد استغفار کردن ، و مرتّب از خدا عذرخواستن است.

روزی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به اصحاب خویش فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ .

آیا به شما خبر دهم آنچه را که اگر انجام دهید شیطان از شما دور شود ، همان گونه که مشرق از مغرب فاصله دارد؟

اصحاب عرض کردند : آری (بفرمایید) .

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

الصَّوْمُ يَسْوُدُّ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تُكْسِرُ ظَهْرَهُ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُوازِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ. (کافی، ج ۴، ص ۶۳؛ من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۷۵؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۵)

روزه چهره او را سیاه می کند، صدقه پشت او را می شکند، محبت ورزیدن در راه خدا و مواظبت بر عمل نیک ریشه او را برکند و استغفار رگ حیاتی او را می بُرد.

بنابر این یکی از آثار و برکات استغفار، به زمین خوردن شیطان و خنثی شدن تلاش های بیوقفه اوست، که با توجه به گستره فعالیت های او در گمراه نمودن مردم، عظمت و اهمیت این خاصیت بیشتر روشن می شود.

دهم) زوال کابوس یأس و امیدوار شدن به مغفرت خداوند

یکی از بزرگترین گناهان که به هیچ وجه قابل گذشت و چشم پوشی نیست، یأس از رحمت خداوند و قطع امید از مغفرت اوست. کسی که از آرزوش خداوند مأیوس است و به گذشت کریمانه پروردگار امیدی ندارد، هر گناهی را مرتکب می شود و در منجلا ب انحرافات فرو می رود، در دره های شقاوت سقوط می کند و روز به روز در حال استدراج و فرو رفتن در درکات عذاب خداوند خواهد بود.

خدای مهربان برای جلوگیری از پدید آمدن این حالت و رسیدن به چنین سرانجامی، باب توبه و استغفار را به روی انسان گشوده است، تا هیچ مجرمی از رحمت واسعه الهی مأیوس نشود و به سوی خدا باز گردد. و باران مغفرت حق، بر سرزمین جانس ببارد و غنچه ایمان و معرفت در بوستان وجودش شکوفا گردد.

در این راستا یکی از برکات معنوی استغفار که خود دارای آثار پرباری است؛ از بین رفتن کابوس یأس و ناامیدی، و تابش خورشید امید و رجاء در خانه دل گنهکار است؛ که این خود باعث رویش درخت معنویت در بهشت ایمان انسان، و لبخند شکوفه های آرزوش بر چهره وجود او می گردد. به همین دلیل امیرالمؤمنین (علیه السلام) از کسی که با وجود استغفار، از آرزوش خدا ناامید گشته، اظهار شگفتی کرده و می فرمایند:

الْعَجَبُ مِمَّنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْمُحَاهَةُ. قِيلَ: وَمَا الْمُحَاهَةُ؟ قَالَ: الْإِسْتِغْفَارُ. (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۷)

تعجب از کسی است که از رحمت و آرزوش خداوند ناامید می گردد، در حالی که وسیله پاک کننده دارد.

سؤال شد: پاک کننده چیست؟

فرمودند:

استغفار و طلب آرزوش از خداوند.

نتیجه گیری

انسان به سبب انتخاب های نادرستش در زندگی دچار آلودگی ها و موانع رشد میشود که تا آن ها را از دل و جان نزداید جسم و روحش سنگین میگردد به نحوی که یا سرعت حرکتش به سمت ذات احدیت بکله متوقف میگردد یا آنقدر کند میشود که ایصال به حق در محدوده ی عمر کوتاه و محدودش جای نمیگیرد.

هر گاه انسان بخواهد خود را در وضعیت بهتر روحی و معنوی قرار دهد تا مجددا سرعت و دقتش در حرکت به سمت معبود در حالت مطلوب قرار گیرد، استغفار را برگزیده، با امتثال اسباب و مراتبش خویشتن را از منجلا ب آلودگی ها می رهاند.

منابع

قرآن كريم

نهج البلاغه

شيخ عباس قمى، مفاتيح الجنان

كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى (ط - الإسلامية)، دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٤٠٧ ق

مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت)، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٠٣ ق

شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، تفصيل و سائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم

١٤٠٩ ق

نورى، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ١٤٠٨ ق

طباطبايى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، لبنان - بيروت، ١٣٩٠ هـ. ق

مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، دار الكتب الإسلامية، ايران - تهران، ١٣٧١ هـ. ش

زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل، دار الكتاب العربى، لبنان - بيروت، ١٤٠٧ هـ. ق

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار صادر، بيروت، ١٤١٤ هـ. ق

راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بيروت، سال چاپ: ١٤١٢ هـ. ق

حويزى، عبدعلى بن جمعه، تفسير نور الثقلين، اسماعيليان، ايران - قم، ١٤١٥ هـ. ق

شوشترى، نور الله بن شريف الدين، مجالس المؤمنين

